



The international responsibility of governments to protect the Emphasizing the principle of sustainable development environment

Mohammad Reza Marefat

Academic staff of the Department of Law and Dean of the Faculty of Law and Political Science, Khatam al-Nabieen University (PBUH), Ghazni Branch

Abstract

Today, development and environment have become important and significant propositions in the international system and international law. Having the right to develop after the Renaissance period has caused irreparable damage to nature and the environment; therefore, in recent years, realizing the importance of the environment, human societies have tried to modify the concept of development with the concept of "sustainable development." Sustainable development is both a right and a duty, and there is an effort to create a balance between human-centeredness and bio-centeredness, and the formation of the concept of sustainable development has caused that today the principle of sustainable development and the principle of environmental protection are presented as acceptable principles among all civilized nations of the world. Governments, as the main person of international law, since they both manage the development process and have the greatest influence in the use and interaction with the environment, today, they play an essential role in realizing both principles. From this point of view, several international documents, including the Stockholm Declaration (1972), the World Charter of Nature (1982), the Rio Declaration (1992), and the third draft of the Solidarity Rights Charter (1982), have committed governments to achieving sustainable development along with protecting the environment. These documents have caused the governments to be responsible for the environment and its preservation, as they are responsible for the realization of development.

Key words: environment, development, the principle of sustainable development, international responsibility of governments, and the third generation of human rights



مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست با تأکید بر اصل توسعه پایدار

محمدرضا معرفت*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۰

چکیده

امروزه، توسعه و محیط زیست تبدیل به گزاره‌های مهم و قابل توجه در نظام بین‌المللی و حقوق بین‌الملل شده است. برخورداری از حق توسعه پس از دوره رنسانس موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیری به طبیعت و محیط زیست شده است؛ بدین لحاظ جوامع بشری در سال‌های اخیر با درک اهمیت محیط زیست تلاش نموده‌اند که مفهوم توسعه را با مفهوم «توسعه پایدار» تعدیل نمایند. توسعه پایدار هم حق است و هم تکلیف و تلاش دارد که بین انسان‌محوری و زیست‌محوری تعادل ایجاد نماید و شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار سبب شده است که امروزه اصل توسعه پایدار و اصل حفاظت محیط زیست به‌عنوان اصول قابل قبول میان همه ملل متمدن جهان مطرح شد. دولت‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین شخص حقوق بین‌الملل از آنجاکه هم روند توسعه را مدیریت می‌نمایند و هم در بهره‌گیری و نحوه تعامل با محیط زیست بیشترین تأثیر را دارند، می‌توانند نقش اساسی را در تحقق هردو اصل ایفا نمایند. از این منظر، اسناد بین‌المللی متعددی از جمله اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲ م)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲ م)،

* کدر علمی دیپارتمنت حقوق و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون خاتم النبیین (ص)، شعبه غزنی

شماره تلفن: ۹۳۷۷۸۹۷۶۱۰۹

marefat1994@gmail.com

اعلامیه ریو (۱۹۹۲ م) و پیش نویس سومین میثاق حقوق هم‌بستگی (۱۹۸۲ م) برای دولت‌ها در جهت تحقق توسعه پایدار توأم با حفظ محیط زیست تعهد ایجاد نموده است. این اسناد موجب شده است که دولت‌ها در قبال محیط زیست و حفظ و نگهداری آن همان‌طور مسئولیت داشته باشند که در مورد تحقق توسعه وظیفه دارند. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست از منظر حقوق محیط زیست بین‌الملل تابع نظریه خطر (مسئولیت عینی) است و از میان دو نوع مسئولیت، «مسئولیت ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی» و «مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده» شامل نوع دوم می‌شود که صرفاً با وقوع خسارت و انتساب عمل به دولت مورد نظر، مسئولیت بین‌المللی برای جبران خسارت ایجاد خواهد شد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، توسعه، اصل توسعه پایدار، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و حقوق هم‌بستگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



توسعه، افزون‌براینکه یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است، در نگاه انسان قرن ۲۱، از مهم‌ترین خواست‌ها و دغدغه‌ها نیز به شمار می‌رود. انسان‌ها به‌طور فردی و جمعی در تلاش هستند که سطح زندگی خود را به‌لحاظ کیفی بهتر کنند و هر نوع تلاش برای دسترسی به زندگی بهتر را توسعه می‌گویند (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۶). برخی از نویسندگان توسعه را «بهره‌گیری از منابع برای ایجاد زیرساخت‌ها و شرایط مادی پیشرفت یک جامعه به‌ویژه از نظر دسترسی به علوم و فناوری و همچنین ایجاد ساختارهای فنی و صنعتی تعریف نموده‌اند که فعالیت و دستاوردهای آنها نیاز اساسی مردم در روند زندگی عادی را تأمین می‌کند» (قوام‌آبادی و شفیق‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۴۳). طبق این تعریف، انسان از حق توسعه زمانی به‌وجه نیک می‌تواند برخوردار شود که دسترسی کافی و لازم به منابع طبیعی داشته باشد. براساس این، آنچه در مورد توسعه به‌عنوان حق مسلم بشری مورد تأمل واقع می‌شود، این نکته است که نگاه بشر نسبت به این موضوع نباید کوتاه‌نگر و نابخردانه باشد؛ بلکه توسعه را زمانی می‌توان از مؤلفه‌های زندگی متمدنانه محسوب نمود که به‌طور مستمر و با نگاه به آینده و حفظ حقوق نسل‌های بعدی بشر برای دسترسی آنها به این مهم مورد توجه قرار گیرد. اگر توسعه را با توجه به همین محدودیت‌ها و تنگناهایی مطالعه نماییم که محیط زیست و منابع طبیعی و به‌ویژه حقوق نسل‌های آینده بشر به منابع طبیعی و محیط زیست سالم پیش پای انسان قرار می‌دهد، توسعه پایدار به‌عنوان راه‌حل برای عبور از بحران محیط زیستی مطرح می‌شود که امروزه، جهان با آن مواجه شده است. ازاین‌رو، امروزه توسعه پایدار به‌عنوان یک اصل حقوقی در حقوق بین‌الملل محیط زیست عنوان شده است.

به‌دیگرسخن، توسعه بدون مراجعه و استفاده انسان از محیط زیست و منابع طبیعی ممکن نیست؛ اما نحوه استفاده و بهره‌گیری از این منابع، که محدود و غیرقابل تجدید است، از مسائلی است که به‌عنوان محدودیت بر سر راه توسعه نابخردانه جلوه پیدا می‌کند. به همین لحاظ، بیانیه استکهلم (۱۹۷۲ م) و ریو (۱۹۹۲ م) دستیابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط زیست عنوان نموده و خواستار جهت‌گیری حقوق محیط زیست جهت اخذ تدابیر لازم برای تحقق توسعه پایدار با حفظ محیط زیست شده است (دبیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳). توسعه پایدار در این نگاه هم حق است و هم تکلیف که باید همگان به‌طور

معقولانه از آن برخوردار باشند. بدین لحاظ در تعریف توسعه پایدار گفته‌اند که توسعه آن است که نیازهای نسل فعلی را بدون خدشه‌دار کردن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای آنها برآورده کند (همان: ۶۴). افزودن پسوند «پایدار» به «توسعه» به علت گستردگی آثار جانبی طرح‌های توسعه برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌هاست که دارای آثار جهانی و فراملی است. از این‌رو، اصل توسعه پایدار برای ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست مطرح شده است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی جامعه را در هر جا که ممکن باشد از طریق وضع سیاست‌ها و مقررات، انجام اقدامات لازم و عملیات حمایتی تلفیق می‌نماید.

به‌دیگرسخن، اضافه شدن قید «پایدار» به توسعه نشان می‌دهد که هرچند اصل و اساس توسعه مورد قبول بلکه غیرقابل‌انکار است، اما محدوده آن به‌صورت فراگیر و بی‌ضابطه نیست؛ بلکه باید با رعایت اصل حفاظت از محیط زیست و حفظ حق همگانی بر محیط زیست سالم صورت پذیرد. از این‌رو، حفاظت از محیط زیست و حق برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان معیاری کنترل‌کننده و نظم‌دهنده به توسعه کلاسیک عمل نموده و حاصل جمع آن مقوله «توسعه پایدار» است (قوام‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۵).

با توجه به مطالب یادشده، مسئله مهمی که با عنایت به نقش برجسته دولت‌های مدرن در مدیریت جوامع انسانی مطرح می‌شود این است که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست با توجه به اصل توسعه پایدار چیست؟ این نوشتار می‌کوشد پاسخ سؤال یادشده را در متون و منابع کتابخانه‌ای بکاود و از این طریق سهمی هرچند اندک در تحقق آرمان انسان هزاره سوم داشته باشد که همان دسترسی به توسعه هم‌زمان با برخورداری از محیط زیست سالم است. اساساً، طرح این مسئله و جستجو برای یافتن پاسخ آن مستلزم تبیین «اصل توسعه پایدار» و «اصل حفاظت از محیط زیست» است که می‌توان با تبیین آن با مسئولیت دولت‌ها در زمینه تحقق توسعه پایدار از یک سو و حفظ محیط زیست از سوی دیگر بیشتر آشنا شویم.

گفتنی است عنوان تحقیق دارای دو متغیر است که شامل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست به‌عنوان متغیر مستقل و توسعه پایدار به‌عنوان متغیر وابسته می‌شود. رابطه این دو متغیر طوری است که اگر دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی خود در قبال

حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به گونه درست عمل نمایند یا اگر در صورت وارد نمودن خسارت به محیط زیست از مسئولیت بین‌المللی برای جبران خسارت وارده برخوردار باشند، قطعاً توسعه پایدار به عنوان آرمان نسل امروز و حق نسل آینده بشر تحقق خواهد یافت و در غیر آن نتیجه معکوس خواهد بود؛ زیرا توسعه پایدار زمانی تحقق می‌یابد که از منابع طبیعی برای ایجاد زندگی مرفه و با کیفیت به‌طور معقول، با رویه و بدون آسیب‌زدن به ساختار ایکولوژیکی طبیعت استفاده صورت گیرد و این امکان ندارد، مگر با تعیین تعهدات و مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها به عنوان مؤثرترین شخص بین‌المللی در روند تحقق توسعه پایدار. براساس این، مباحث اصلی تحقیق را در سه گفتار طرح می‌نمایم که شامل «مفهوم اصل توسعه پایدار»، «مفهوم اصل حفاظت از محیط زیست» و «تعهدات و مسئولیت دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست» می‌شود.

الف) مفهوم اصل توسعه پایدار

توسعه پایدار^۱ و حفظ محیط زیست امروزه با وجود علاقه‌مندی فزاینده انسان هزاره سوم به توسعه و زندگی بهتر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به عنوان ضرورت جدی و غیرقابل کتمان برای ادامه زندگی بهتر و سالم انسان مطرح می‌باشد. با نگاه به توسعه باورنکردنی صنعت و اقتصاد در برخی از کشورها که هم در میزان بهره‌گیری از محیط زیست زیاده‌روی کرده‌اند و هم در نحوه استفاده از آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست سالم وارد نموده‌اند؛ اما توسعه پایدار به عنوان طرح راهبردی برای رسیدن به زندگی مرفه و آسوده از یک سو و حفظ محیط زیست سالم و سرشار از منابع ایکولوژیکی از سوی دیگر از اهمیت بالایی برخوردار است.

از این رو، استفاده و بهره‌گیری از محیط زیست، باید متناسب به میزان ضرورت و نیاز انسان‌ها صورت پذیرد و هر نوع زیاده‌روی در استفاده از منابع محیط زیستی یا استفاده بی‌رویه از آن، که آسیبی به محیط زیست وارد نماید، پذیرفتنی نیست. این درحالی است که براساس تئوری میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل در مورد بهره‌گیری از محیط زیست سالم هیچ تفاوت و تمایزی میان انسان‌های کنونی با انسان‌هایی وجود ندارد که در زمان‌های آینده

^۱. Sustainable Development.

در روی زمین زیست و زی می نمایند؛ زیرا محیط زیست و منابع آن میراث عمده نسل‌های پیشین بشر برای ابنای بشر است و در هر مرحله استفاده از محیط زیست، منافع و سهم نسل آینده بشر باید مورد توجه و احترام قرار بگیرد.

توسعه در معنای کلاسیک مبتنی بر اندیشه علم مدرن است که براساس آن انسان با استفاده از اصول و قوانین علمی می‌توانست بر طبیعت سلطه یافته و به‌طور دلخواه از آن بهره‌جوید. بیکن، از پایه‌گذاران علم مدرن، می‌نویسد: «جهان برای بشر ساخته و پرداخته شده است نه بشر برای جهان»؛ ازاین‌رو بشر می‌تواند بدون هیچ تکلیف و نگرانی از محیط و طبیعت بهره‌گیرد؛ اما مفهوم توسعه پایدار این نگاه را خام و کوتاه‌بینانه پنداشته و بشر را به نقطه مقابل این بینش سوق داده است. این ایده دنبال آن است که نگاه انسان قرن ۲۱ که در اوج سلطه و غلبه بر محیط و طبیعت قرار گرفته است، تبدیل به چشم‌انداز تعامل‌گرایانه با محیط و منابع طبیعی کند. بدین توضیح که بشر امروزین نباید با دید انتفاع یک‌طرفه از محیط زیست به سراغ آن رود؛ بلکه این مهم را نیز توجه داشته باشد که بدلیل هر سودگیری از منابع محیط زیستی، جایگزین ساختن منفعت حداقل یکسان برای محیط زیست و طبیعت است. ازاین‌رو، اندیشه توسعه پایدار میان حفاظت از محیط زیست و توسعه ابعاد مختلف زندگی بشر به‌طور دوامدار و پایدار جمع می‌نماید و به نگرانی‌های بشر از محرومیت نسل‌های آینده از محیط زیست سالم و غنی نقطه پایان می‌گذارد.

توسعه پایدار به‌عنوان عامل مهم و تأثیرگذار بر وضعیت محیط زیست برای نخستین بار در گزارش بروتلند در سال ۱۹۸۷م مورد استفاده قرار گرفت و با توجه به اهمیت آن بسیار زود طرف توجه جهانیان واقع شد و سپس در کنفرانس ۱۹۹۲ ریو که ازسوی سازمان ملل متحد پیرامون حقوق محیط زیست برگزار شده بود، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین بهره‌برداری از محیط زیست و حفاظت آن شناسایی شد (دبیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴) و اکنون با شکل‌گیری اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی مورد توجه جدی اندیشمندان و متفکران توسعه قرار گرفته است. اصل توسعه پایدار در نوع خود مفهومی جدیدی است که بر اندیشه انسان قرن ۱۸ و ۱۹ نسبت به رابطه غلبه و سلطه‌مدارانه بشر بر محیط زیست خط بطلان کشیده و با نگاه سلطه‌آمیز بر طبیعت در تضاد قرار دارد. اصل ۴ اعلامیه ریو چنین است: «برای دستیابی به توسعه پایدار، فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط زیست باشد و نمی‌تواند

مجزا از آن باشد». اصل ۲۵ اعلامیه نیز چنین است: «صلح، توسعه و محیط زیست وابستگی متقابل با یکدیگر داشته و قابل تجزیه نمی‌باشند». اصل ۴ و ۲۵ اعلامیه ريو چنین اذعان می‌نماید که کوشش‌ها برای بهبود جامعه از قبیل تلاش برای حفاظت از محیط زیست، حصول صلح و دستاوردهای توسعه به یکدیگر وابسته هستند و نباید در رویکرد انسان‌ها و سیاست‌گذاری دولت‌ها میان این عناصر سه‌گانه جدایی انداخته شود.

هرچند حق بر توسعه یکی از مبنایی‌ترین حق‌های اساسی بشر است که هم به‌گونه فردی و هم به‌صورت جمعی تحقق می‌یابد و طبق آن انسان‌ها برای رسیدن به کمال و تعالی نیازمند آن هستند که در ابعاد مختلف، زندگانی خود را از نظر کیفی بهتر کنند، اما این حق امروزه با توجه به نگرانی‌های بشر از پیامدهای ناگوار زیست‌محیطی نه به‌طور مطلق، بلکه به‌گونه مشروط و محدود قابل استیفاست. حدود و صغور برخورداری از منابع محیط زیست برای توسعه در اسناد مختلف بین‌المللی بازتاب پیدا نموده است (اعلامیه ريو: ۴) و در فقره‌های ۱ الی ۵ ماده ۱۱ منشور جهانی طبیعت تمامی فعالیت‌های خسارت‌بار برای محیط زیست ممنوع شده است و جامعه بین‌المللی اعم از دولت‌ها و شرکت‌ها به انجام فعالیت‌های حمایتی نسبت به محیط زیست ترغیب شده‌اند.^۱

بنابراین، توسعه پایدار یکی از راهکارهای حقوقی اتخاذ شده پس از درک «احتضار کره زمین» است و به معنای بهره‌گیری از منابع برای زیرساخت‌ها و شرایط مادی پیشرفت یک جامعه، به‌ویژه از نظر دسترسی به علوم و فناوری و همچنین ایجاد ساختارهای اقتصادی و

۱. ماده ۱۱ منشور جهانی طبیعت: فعالیت‌هایی که ممکن است بر روی طبیعت تأثیر داشته باشند، باید کنترل شده و بهترین فناوری‌های موجود که خطرات قابل توجه به طبیعت یا دیگر عوارض جانبی را به حداقل می‌رساند به کار برند به‌ویژه:

- از فعالیت‌هایی باید اجتناب شود که احتمالاً باعث آسیب برگشت‌ناپذیر به طبیعت می‌شوند؛
- فعالیت‌های که احتمالاً موجب خطرات قابل توجه به طبیعت می‌شوند برای بررسی کامل باید در اولویت قرار داده شده و استدلال‌های لازم باید نشان دهد که مزایایی مورد انتظار از این‌گونه فعالیت‌ها سنگین‌تر از خطرات بالقوه به طبیعت است و در جایی که عوارض جانبی بالقوه کاملاً شناخته نشده، فعالیت‌ها نباید انجام شود؛
- فعالیت‌هایی که ممکن است برای طبیعت مزاحمت‌هایی داشته باشد باید از طریق ارزیابی پیامدهای آنها مقدم شمرده شده و مطالعات اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های توسعه‌ای باید به اندازه کافی و به‌موقع انجام شود؛
- اقدامات کشاورزی، مرتع، جنگل‌داری و شیلات باید با ویژگی‌های طبیعی و فشارهای وارده به مناطق منطبق باشد؛
- مناطق تخریب شده توسط فعالیت‌های انسانی باید برای اهداف منطبق با استعداد طبیعی آن منطقه و سازگار با رفاه و تعداد آسیب‌دیده بازسای شود.

صنعتی است که فعالیت و دستاوردهای آنها نیازهای اساسی مردم در روند زندگی عادی را تأمین نماید (کیس و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰). در مورد تعریف این اصطلاح میان اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد؛ به طوری که از آغازین تکوین این اصل تا سال ۱۹۹۲م بیش از هفتاد تعریف از آن ارائه شده است.

ازسوی دیگر، افزون بر حق انسان بر توسعه، بهره‌گیری از محیط زیست نیز به عنوان یک حق طبیعی، برای همه ابنای بشر محفوظ و مسلم پنداشته شده است؛ اما آنچه که درخور تأمل است، این است که انسان‌ها در بهره‌گیری از این حق، کاملاً مختار و دارای آزادی مطلق نیستند؛ زیرا تحقیقات نشان داده است که استفاده بی‌باکانه و غیرعقلانی از منابع محیط زیستی ممکن است در کوتاه مدت رفاه نسبی را برای جامعه بشری به ارمغان آورد؛ اما در بلندمدت پیامدهای ناگواری را به دنبال خواهد داشت که حتی حیات و زندگی همه زنده‌جان‌ها را در روی زمین دچار مخاطره کند.

پژوهشگران محیط زیست بر این باور هستند که از بدو زندگی بشر تا قبل از انقلاب صنعتی، میزان تخریب و آسیب‌پذیری محیط زیست در حدی نبوده است که موجب نگرانی فاحش جوامع انسانی شود؛ اما در طی سالیان بعد از رنسانس و صنعتی شدن کشورها، میزان تخریب و آسیب‌پذیری محیط زیست دو برابر بیشتر از آسیب‌هایی شده است که پیش از آن بر محیط وارد شده است (زیاران، ۱۳۹۳: ۴۷). از این رو، توسعه صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بشر به طور مستقیم از میزان و نحوه استفاده انسان‌ها از منابع طبیعی و محیط زیست تأثیر می‌پذیرد. منابع طبیعی که روح محیط زیست را تشکیل می‌دهد و بدون آن محیط زیست مکانی نیم‌سوخته‌ای چون اقمار آسمانی دیگر بیش نیست، پایه اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری را تشکیل می‌دهد و خطر بزرگی که امروزه بشر از ناحیه مشکلات زیست‌محیطی احساب می‌کند، فاجعه به هم خوردن تعادل زیست‌محیطی است (کیس و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۲).

بشر از آغاز تاکنون در تکاپوی آن بوده که هرچه بیشتر بتواند بر طبیعت سیطره افکنده و از خون و اندام طبیعت هرچه فراوان‌تر استفاده نماید و پس از وقوع انقلاب صنعتی در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی به بعد تاکنون توانسته است که به این آرمان دیرینه خود به طور چشمگیری

دست یابد؛ اما متأسفانه بهره‌گیری و تسلط این چینی انسان نسبت به طبیعت و محیط زیست در اعصار گذشته تابع قوانین و مقررات مشخصی نبوده، تا استفاده از آن را به‌طور بی‌رویه و بحران‌آور ممانعت نماید. رویکرد جهانی که امروزه تحت عنوان توسعه پایدار، در ارتباط به محیط زیست مطرح شده است، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا از یک سو، زمینه بهره‌برداری از محیط زیست و منابع طبیعت را به‌طور مستمر و مداوم برای بشر فراهم می‌کند و از سوی دیگر، توسعه همگانی بشر را در ابعاد مختلف زندگی همگون و همسان کرده و امتیاز نسل‌های آینده را بر محیط زیست تأمین می‌نماید و از دیگر سو، رابطه انسان با محیط زیست و طبیعت را به‌گونه‌ای تعاملی تنظیم نموده و به هر میزانی که بشر از گونه‌های زیستی و غیرزیستی طبیعت بهره می‌برد، به همان سو یه باید خلأ موجود را پر نماید تا بدنه و ذخیره طبیعی محیط زیست دچار کمبود و کاستی نشود.

ب) مفهوم اصل حفاظت از محیط زیست

اصل توسعه پایدار و اصل حفاظت از محیط زیست در واقع، دو اصل مکمل و متمم یکدیگر است. حفاظت از محیط زیست بستر تحقق توسعه پایدار و متقابلاً توسعه پایدار متضمن حفظ محیط زیست است. این مقوله در نتیجه اقدامات اخیری که توسط سازمان ملل متحد در دهه‌های اخیر قرن بیستم برای تأمین هم‌زمان دو هدف مهم و اساسی مطرح شده است که تحقق توسعه از یک سو و حفظ محیط زیست از سوی دیگر باشد. اساساً، بحث حفاظت از محیط زیست ریشه در مباحثی مربوط به نسل سوم حقوق بشر دارد. نسل سوم حقوق بشر در نتیجه روند روبه گسترش انسانی‌شدن، بین‌المللی‌شدن، اجتماعی‌شدن و اخلاقی‌شدن حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و نیز کاستی‌های نسل اول و دوم حقوق بشر ظهور یافته است (وکیل، ۱۳۸۳: ۴۱). هرچند نسل اول و دوم حقوق بشر دارای اسناد موضوعه و مصوب در سازمان ملل متحد بوده، اما برای بشر جهت برخورداری از زندگی و حیثیت انسانی کافی به نظر نمی‌رسد و به همین لحاظ مجموعه‌ای از ارزش‌های دیگر را افزون بر مصادیق نسل‌های اول و دوم حقوق بشر مطرح نموده‌اند که در پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق بشر تحت عنوان حقوق هم‌بستگی در سال ۱۹۸۲ در مجمع عمومی ملل متحد بازتاب یافته است. در مقدمه این پیش طرح برخی از ارزش‌ها به‌عنوان ارزش‌های حقوق بشری چنین مورد توجه قرار گرفته است: «طرف‌های میثاق حاضر با توجه به اینکه صلح، توسعه، محیط زیست و

میراث مشترک بشریت از این به بعد ارزش‌های مشترک جهانی هستند که مورد شناسایی کلیه انسان‌ها، اقوام و ملت‌ها قرار گرفته‌اند و اینکه شایسته است حقوق مربوط به آنها به‌عنوان حقوق بشر شناسایی، حمایت و تحقق یابد». هرچند این پیش‌طرح هنوز به‌طور الزام‌آور تصویب نشده است، اما انتظار می‌رود با توجه به اهمیت این ارزش‌ها و نیاز مبرم به شناسایی آنها به‌عنوان ارزش‌های مشترک بشری روند تصویب خود را رسماً طی نماید. در این سند، حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر که تحقق آن مستلزم هم‌بستگی همه ملل و نحل جهان می‌باشد، شناسایی شده است. بدین لحاظ امروزه، اصل حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشر عنوان می‌شود (همان: ۴۹). این تحولات امروزه به خلق گرایش جدیدی حقوقی تحت عنوان حقوق محیط زیست منجر شده است که هدف از آن ضمن ایجاد حق و تکلیف برای افراد پیرامون مسائل محیط زیستی وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها و مؤسسات عمومی را نیز گسترش می‌دهد؛ یعنی بدون الحاق و اتفاق توانایی‌های افراد، دولت‌ها و سایر اشخاص حقوقی تحقق این حقوق امکان‌پذیر نمی‌باشد (امیرارجمند، ۱۳۹۷: ۳۵۱).

درواقع، اصل حفاظت از محیط زیست تحدیدکننده و تعدیل‌کننده حق بر توسعه است و نتیجه تعامل اصل حفظ محیط زیست و حق توسعه، ایجاد اصل توسعه پایدار می‌باشد؛ اما نکته قابل توجه در این میان آن است که توسعه پایدار و حفظ محیط زیست چگونه باهم تعامل دارند؟ در پاسخ به این سؤال چنین باید نوشت که توسعه پایداری مورد نظر حقوق دانان است که در عین حالی که توسعه نسل فعلی را دنبال می‌کند، حقی بر محیط زیست سالم و متوازن نسل حاضر و آینده را نیز مورد توجه قرار دهد. ازاین‌رو، بهره‌برداری از طبیعت برای ایجاد توسعه پایدار باید به‌گونه‌ای باشد که محیط زیست را نیز پایدار نگهدارد. براساس این، «پایداری» می‌تواند صفت مشترک میان توسعه پایدار و حفظ محیط زیست باشد (قوام‌آبادی و شفیق‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۵۹). با این توضیح مختصر چنین می‌توان گفت که اصل توسعه پایدار و اصل حفظ محیط زیست در حقوق بین‌الملل امروزه هدف مشترک و واحدی را دنبال می‌نماید و درواقع، مکمل یکدیگر هستند. این دو اصل هیچ‌کدام بدون توجه به دیگری تحقق‌پذیر نیست؛ زیرا توسعه زمانی پایدار است که اصل حفظ محیط زیست رعایت شود و برعکس، محیط زیست نیز زمانی حفظ خواهد شد که رویکرد بشر نسبت به توسعه خردمندانه باشد و این صرفاً با قید «پایدار» می‌تواند حفظ شود.

از سویی هم در مقایسه و تفاوت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست، می‌توان به گستردگی مفهوم توسعه پایدار اشاره کرد که براساس آن، توسعه با تحت پوشش قرار دادن همه نسل‌های بشر و سکونت آنها بر زمین و بهره‌مندی از محیط ماورای جو، گستره فراتر از طبیعت را دربرمی‌گیرد که مرکز ثقل حفاظت از محیط زیست است؛ درحالی‌که حفاظت از محیط زیست محدود قسمتی از جو یا پوسته زمین می‌شود که حداقل برای نوع زندگی مساعد باشد (فیروزی، ۱۳۸۴: ۱۶). به‌همین لحاظ توسعه پایدار صرفاً ناظر بر رفتار انسان در طبیعت و سیاره زمین نبوده؛ بلکه همه اجزا و ابعاد عملکرد انسانی و سرنوشت وی را در ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی دربردارد (ساعد، ۱۳۸۸: ۱۵۲). بنابراین، محیط زیست قسمت کوچکی از جو اتموسفیر (هوا)، هایدروسفر (آب) و لیتوسفیر (خاک) را شامل می‌شود که به‌طور خلاصه می‌توان آن را به قشر نازکی از هوا، آب و خاک محدود نمود (تقی‌زاده انصاری و فائق‌راد، ۱۳۸۹: ۱۲).

با درنظرداشت مفهوم و رابطه التزام، که میان رعایت اصل توسعه پایدار و اصل حفاظت از محیط زیست وجود دارد، می‌توان گفت: رعایت هردو به‌عنوان میکانیسم حقوقی مؤثر برای احترام به دو مورد از مصادیق نسل سوم حقوق بشر که همان حق بر توسعه و حق بر داشتن محیط زیست سالم است.

ج) تعهدات و مسئولیت دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست

محیط زیست و آسیب‌های وارد آمده بر آن از مهم‌ترین دغدغه‌های بین‌المللی در قرن ۲۱ است و حقوق‌دانان بین‌المللی به‌دنبال دستیابی به راهکارهای ثمربخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند. یکی از ابزارهای مورد توجه در این خصوص «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» است. مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محیط زیست بیشتر از مبنای عرفی برخوردار است؛ زیرا، حقوق محیط زیست سابقه تاریخی چندانی ندارد؛ اما در سال‌های اخیر اقدامات قابل توجهی درخصوص وضع قواعد مدون پیرامون مسئولیت بین‌المللی ناشی از تخریب محیط زیست صورت گرفته است. این اقدامات بیشتر ناظر به مسئولیت مدنی است به‌دلیل اینکه در مورد مسئولیت جزایی برای تابعان حقوق بین‌الملل به‌ویژه دولت‌ها با توجه به اصل حاکمیت ملی آنها محلی برای بحث باقی نمی‌ماند.

جامعه بین‌المللی با درک عمیق از تغییرات جبران‌ناپذیر محیط زیستی که پس از انقلاب صنعتی هر روز نظاره‌گر آن بودند، بر آن شدند تا بهره‌گیری و برخورد با منابع طبیعی و محیط زیست را چارچوب‌بندی نموده و بر استفاده بلا قید و شرط آن نقطه پایان گذارند. اعلامیه‌های اولیه که در سطح بین‌الملل طرح و تدوین شد همه با اخذ موقف یکسان به بهره‌برداری بی‌رویه محدودیت وضع نمودند که امروزه اسناد متعدد بین‌المللی اعم از جهانی و منطقه‌ای پیرامون آن وجود دارد. بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مورد حفاظت از محیط زیست مستلزم بررسی اسناد بین‌المللی و قواعد عرفی است که تاکنون در این زمینه وضع شده است. هرچند قواعد مربوط به محیط زیست و حفاظت از آن در حقوق بین‌الملل بیشتر جنبه عرفی داشته است، اما امروزه با توجه به استعجالیت موضوع و ضرورت فوری به اخذ تدابیر لازم برای استفاده و برخورد خردمندانه با طبیعت، این قواعد وضعیتی را برخوردار شده است که می‌رود تا قواعد محیط زیست و حفاظت از آن تبدیل به مجموعه اسناد منظم موضوعه بین‌المللی شود. ازسوی دیگر، مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر تعهد بین‌المللی است. به بیان واضح‌تر اینکه برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها در مورد حفاظت از محیط زیست باید تعهدات بین‌المللی دولت‌ها را شناخته و سپس طبق تعهدات موجود و در صورت نقض آن می‌توان دولت‌ها را پیرامون مسائل محیط زیستی مسئول شناخت.

۱. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال محیط زیست

تعهدات و تکالیف بین‌المللی دولت‌ها اساساً تابع اراده و توافق دولت‌هاست. به این مفهوم که دولت‌ها درخصوص پذیرش یا عدم‌پذیرش یک تعهد بین‌المللی دارای اختیار و تابع اراده خود می‌باشند؛ اما این سخن امروزه با توجه به شکل‌گیری برخی از قواعد و نرُم‌های الزام‌آور بین‌المللی که از آن به نام قواعد آمره بین‌المللی یاد می‌شود، با تأمل همراه شده است. صفت قواعد آمره بین‌المللی این است که هیچ قاعده عرفی و معاهده‌ای نمی‌تواند در مخالفت با آن به‌وجود آید (معرفت، ۱۴۰۲: ۷۳) و امروزه یکی از قواعد آمره بین‌المللی تحت عنوان «اصل منع آلودگی شدید محیط زیست، دریاها و ماورای جو» شناخته شده است که حاکی از تعهد الزامی دولت‌ها و کلیه تابعان حقوق بین‌الملل برای حفاظت از محیط زیست می‌باشد. بنابراین، برای حفاظت از محیط زیست، نمی‌توان چشم به توافق دولت‌های جهان دوخت و انتظار موافقت دولت‌ها با این تعهد بین‌المللی را کشید؛ زیرا به موجب قاعده آمره‌ای یادشده،

همه دولت‌ها خواسته یا ناخواسته باید به مفاد آن موافق باشند و تعهد خود را مبنی به حفظ محیط زیست به‌طور شایسته رعایت نمایند (میرعباسی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶).

دولت‌ها امروزه افزون‌براینکه طبق قواعد آمره‌ای بین‌المللی تعهدات خود را در قبال حفظ محیط زیست باید مورد توجه قرار دهند، تعدادی از اسناد موضوعه و معاهدات بین‌المللی نیز پیرامون تعیین تعهدات خاص برای دولت‌ها به‌عنوان مؤثرترین عضو جامعه بین‌المللی در روند حفاظت از محیط زیست وضع شده است؛ زیرا هرچند حفاظت از محیط زیست بدون هم‌بستگی همه اقشار جامعه، نهادهای بین‌المللی، مردم و دولت‌ها قابل تحقق نیست، اما دولت‌ها به‌عنوان تابعان اصلی و تأثیرگذار، جایگاه برجسته‌ای در رعایت موازین محیط زیستی دارند. براساس این، دولت‌ها مکلف‌اند که با همکاری یکدیگر و به نحو مناسب از ایجاد یا انتقال مواد آلوده‌کننده از کشورهای مولد آلودگی به کشورهای جهان سوم اجتناب کنند و هزینه‌های مبارزه با آلودگی را بپردازند (همان: ۷۶).

برای نمونه، کنفرانس استکهلم با حضور نمایندگان ۱۱۰ کشور در سال ۱۹۷۲ م به تصویب اعلامیه محیط زیست منجر شد که در این اعلامیه حیاتی از کشورهای جهان خواسته شد تا با درک منافع عمومی نسل‌های امروز و فردای بشر به حفاظت از محیط زیست بپردازند و دولت‌های عضو مکلف شدند تا ترتیبی اتخاذ نمایند که فعالیت‌هایشان به محیط زیست سایر کشورها خسارت وارد نکند و نیز مسئولیت اعمال زیان‌بار خود را در قبال محیط زیست بپذیرند.

دومین سند بین‌المللی را می‌توان از پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق هم‌بستگی سازمان ملل متحد (۱۹۸۲ م) نام برد. در این مسوده آمده است که دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که در نتیجه آن به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد نماید و نیز منشور جهانی طبیعت مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ م نیز در مواد (۱۴-۲۴) حفاظت از محیط زیست را از تکالیف جدی دولت‌ها قرار داده و چنین نوشته است: «از آسیب فعالیت‌های نظامی به طبیعت باید جلوگیری شود» (منشور جهانی طبیعت، ۱۹۸۲ م: ماده ۲۰). همین‌طور در بند ۱ ماده ۱۱ منشور جهانی طبیعت چنین آمده است: «از فعالیت‌هایی که احتمالاً باعث آسیب برگشت‌ناپذیر به طبیعت می‌شود باید اجتناب نمود». این بخشی از منشور، با اهتمام فراوان



به بحث حفاظت از محیط زیست سالم حتی آسیب زدن احتمالی به نظام طبیعت، که قابلیت ترمیم دوباره را نداشته باشد، ممنوع دانسته است. مفهوم فقره یادشده در منشور جهانی طبیعت این است که کُنش انسان نسبت به طبیعت و محیط زیست آنگاه که آسیب حتمی بر پیکر آن وارد آورد، به طریق اولی ممنوع و غیرقابل توجیه است. استفاده از جمله «آسیب‌رسی احتمالی» به نظام طبیعت نشان‌دهنده اهتمام جدی منشور به تعهد دولت‌ها، مؤسسات، افراد و همه نهادهای ذی‌دخل در مواجهه با محیط زیست برای حفظ محیط زیست است که تأکید بر حفظ محیط زیست و حمایت از آن، رمز بقا و دوام توسعه جوامع بشری به شمار آمده و توسعه پایدار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی همه و همه در گرو بهره‌برداری از منابع و امکانات طبیعی و محیط زیستی می‌باشد. این مهم در مقدمه منشور جهانی طبیعت به‌طور واضح بیان شده است: «مدنیت ریشه در طبیعتی دارد که فرهنگ انسانی را شکل داده و در تمامی دستاوردهای علمی و هنری نفوذ کرده است و زندگی در هماهنگی با طبیعت، به انسان فرصتی بهتری برای گسترش خلاقیت و رفاه خود می‌دهد»^۱.

اعلامیه ریو که در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه با حضور نمایندگان ۱۵۰ کشور جهان به تصویب رسید، سند بین‌المللی دیگری است که پیرامون حفاظت از محیط زیست دولتهای عضو را مکلف نموده است. اصل ۷ اعلامیه یادشده در مورد تعیین تعهدات بین‌المللی دولت‌ها پیرامون حفظ محیط زیست چنین است: «کلیه دولت‌ها باید در حفظ، نگهداری و بازیافت سلامت محیط زیست و ایکوسیستم‌های کره زمین و با روحیه آکده از مشارکت بین‌المللی با هم همکاری نمایند. با توجه به سهم مختلف کشورهای جهان در تخریب محیط زیست، دولت‌های مختلف دارای مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت می‌باشند. کشورهای توسعه‌یافته با توجه به فشارهایی که جوامع آنها به محیط زیست جهانی وارد نموده‌اند و نیز با توجه به تکنالوژی‌ها و منابع مالی که در اختیار دارند، مسئولیت خویش را در رابطه با تلاش جهانی برای توسعه پایدار اذعان و تأیید نمایند».

با توجه به اهمیت این اعلامیه که با حضور ۱۵۰ کشور جهان و در یک مرحله با حضور حدود ۱۳۵ رئیس کشورها، ۴۵۰۰ نفر نمایندگان دولت‌ها، نمایندگان ۱۵۰۰ سازمان

^۱. مقدمه، منشور جهانی طبیعت، تصویب ۱۹۸۲ میلادی.

غیردولتی و حدود ۱۰ هزار خبرنگار و فیلمبردار برگزار شده بود، مفاد آن نیز از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. این اعلامیه دو نوع تعهد برای دولت‌ها در مورد حفظ محیط زیست ایجاد نموده است: نخست، تعهد عام که شامل همه کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته می‌شود مبنی به مشارکت و همکاری همگانی برای حفظ، نگهداری و بازیافت سلامت محیط زیست و ایکوسیستم‌های طبیعی و دوم، تعهدات خاص که متوجه کشورهای توسعه‌یافته می‌شود که طبق تصریح اصل یادشده، توسعه و رفاه آنها بیشتر مرهون استفاده اعظمی از محیط زیست و خلق پیامدهای ناگواری است که از این مجرا به محیط زیست جهانی که شامل کشورهای جهان سوم نیز شده، به دست آمده است. این تعهد خاص مربوط به سهم‌گیری کشورهای توسعه‌یافته برای حفاظت از محیط زیست با استفاده از تکنالوژی و منابع مالی می‌شود که در اختیار دارند که این تعهد هم شامل حفظ و نگهداری و بازیافت محیط زیست می‌شود و هم توسعه پایدار را در بر می‌گیرد.

اعلامیه یادشده همچنان تأکید نموده است که دولت‌ها متعهدند که با وضع و تصویب قوانین داخلی خود مطابق معیارها و استانداردهای جهانی نقش خود را در حفظ محیط زیست و توسعه‌ای ایفا نمایند که به موجب آن زیان و خسارتی را به کشورهای دیگر تحمیل نکند (اعلامیه ریو، ۱۹۹۲ م: اصل ۱۱). تعهد دولت‌ها به حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از تعهدات دیگری است که در اسناد بین‌المللی بدان توجه شده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۵۴۰ مصوب ۱۹۸۳ م از دولت‌های درگیر خواسته است که از انجام اعمالی خودداری نمایند که باعث خدشه به صلح و امنیت منطقه و حیات وحش و گیاهان شوند (ممتاز، ۱۳۷۸: ۱۰). بدون شک، نگرانی شورای امنیت سازمان ملل در مورد پیامدهای ناگوار جنگ و فعالیت‌های نظامی بر محیط زیست بجاست و هر چند قواعد مربوط به جلوگیری از تخریب محیط زیست در جریان جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در عمل میان تابعان حقوق بین‌الملل هنوز استقرار لازم را نیافته است؛ اما این انتظار وجود دارد که نه‌چندان دور سازوکارهای عملی برای جلوگیری از فعالیت‌های نظامی و جنگ‌های ویرانگر و مخرب محیط زیست روی دست گرفته شده و جامه عمل بپوشد؛ آزمایش‌های تسلیحاتی به‌ویژه تسلیحات شیمیایی و هسته‌ای که ضربه جبران‌ناپذیری بر پیکره طبیعت و محیط زیست وارد می‌نماید نمی‌تواند از دیدرس این قطعنامه به دور بماند و دولت‌ها همه

ملزم هستند که در تمامی فعالیت‌های نظامی خود حفظ محیط زیست را به‌عنوان اصل غیرقابل نقض در نظر بگیرند. کنوانسیون تغییر محیط زیست که در سال ۱۹۷۶ به منظور مقابله با استفاده از روش‌های تغییر محیط زیست «به‌عنوان یک روش جنگی» به تصویب رسید و یکسال پس از آن پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های جنوا تصویب شد، تعهداتی مشخص را برای دولت‌ها در حین جنگ و مخاصمات مسلحانه تعیین نموده است (میرعباسی و رضایی: ۱۳۶). مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل الحاقی اول هرگونه روش جنگی را که «موجب خسارات گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست طبیعی شود» ممنوع اعلام نموده است. ماده ۳۵ پروتکل چنین است: «در هر مخاصمه مسلحانه حق طرف‌های درگیر در انتخاب روش‌ها یا وسائل جنگ نامحدود نیست و به‌کارگیری سلاح‌ها و پرتاب‌شونده‌ها، ماده و روش‌های جنگ که به‌طور طبیعی موجب صدمه زائد یا رنج غیر ضروری شود، ممنوع است. همچنین کاربرد روش‌ها یا وسائل جنگی که هدف آن ایجاد خسارات گسترده، شدید و پایدار در محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال دارد چنین خسارتی را وارد کند، ممنوع است».

تعهد دولت‌ها در مورد میزان و نحوه استفاده از منابع دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ نیز به‌طور قابل توجهی بازتاب یافته و مشخصاً تعهدات مربوط به حفاظت و بهره‌برداری از منابع زنده دریایی در بخش پنجم در خصوص منطقه انحصاری اقتصادی آمده است و قسمت دوم از بخش هفتم کنوانسیون یادشده، تعهدات دولت‌ها را در قسمت بهره‌برداری از دریایی آزاد مورد توجه قرار داده است (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۷۹). مواد ۶۱ و ۶۲ کنوانسیون حقوق دریاها حاوی تکالیفی در خصوص حفاظت و بهره‌برداری از منابع دریایی است که درباره همه گونه‌هایی اعمال می‌شود که در منطقه انحصاری اقتصادی کشور ساحلی وجود دارد. اما تعهدات مطرح شده در کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی به‌طور گسترده‌ای در بخش دوازدهم کنوانسیون یادشده مطرح شده است. این بخش با ماده ۱۹۲ شروع می‌شود که تا به حال یک قاعده حقوقی پذیرفته شده را بنیان گذاشته است، این قاعده چنین است: «دولت‌ها تعهد دارند تا از محیط زیست دریایی حفاظت و نگهداری کنند». مشخصاً کنوانسیون حقوق دریاها به‌عنوان قانون اساسی حقوق بین‌الملل دریاها امروزه از اهمیت بالایی برخوردار شده است که تا سال ۲۰۱۰ به تعداد ۱۵۸ کشور را به عضویت خود درآورده و تعهدات ناشی از این کنوانسیون برای این تعداد کشورها،

جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست دریایی و منع استفاده بی‌رویه و غیرمعتدله از آن گام بلند و قابل توجه پنداشته می‌شود (همان: ۵۷۶).

قوانین داخلی افغانستان نیز در راستای تحقق تعهدات بین‌المللی دولت افغانستان در قبال حفاظت و حمایت از محیط زیست، موقف سازنده و قابل قبولی را اتخاذ نموده است. به‌طورمثال، قانون محیط زیست افغانستان که مصوب ۱۳۸۵ شورای ملی افغانستان است، در مواد ۷-۹ تعهدات دولت افغانستان را در قبال حفظ محیط زیست و ایجاد راهکارهای مؤثر برای برخورد مناسب با منابع طبیعی در افغانستان تعیین نموده است که در مجموع شامل موارد ذیل است:

۱. ایجاد، ثبت و حمایت از نهادهای جامعه مدنی که در عرصه حفاظت و حمایت از محیط زیست فعالیت می‌کنند (قانون محیط زیست افغانستان، ۱۳۸۵: بند ۱، ماده ۷)؛
۲. ارائه معلومات برای افراد و اشخاص جهت افزایش آگاهی آنها در مورد مسائل محیط زیستی و نحوه مواجهه با آن (همان: بند ۳، ماده ۷)؛
۳. ممنوعیت ایجاد آلودگی در محیط زیست (همان: بند ۱، ماده ۸)؛
۴. ایجاد اداره ملی حفاظت از محیط زیست که در آن اداره مذکور موظف به تنظیم کلیه امور مربوط به محیط زیست، حفظ و نگهداری و بازیافت سلامت آن و نیز مکلف به رعایت و تطبیق مفاد کلیه‌ای کنوانسیون‌های بین‌المللی شده است که افغانستان به آنها ملحق شده است (همان: ماده ۹)؛
۵. ایجاد کمیته هماهنگی محیط زیست، شورای مشورتی ملی محیط زیست و شوراهای مشورتی محلی محیط زیست برای ایجاد هماهنگی، مشاوره، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در مسائل مربوط به محیط زیست (همان: مواد ۱۰-۱۲).

کودجای افغانستان که مصوب سال ۱۳۹۶ می‌باشد، نیز توجه جدی به جرایم محیط زیستی داشته و در مواد ۸۰۷ الی ۸۱۹ هرنوع فعالیت آسب‌زننده به محیط زیست را جرم‌انگاری نموده است. ازجمله جرایم محیط زیستی که در کودجا بازتاب یافته است را می‌توان از عدم رعایت قانون محیط زیست (کودجای افغانستان، ۱۳۹۶: ماده ۸۱۰)، قطع

درختان و تخریب ساحه سبز (همان: ماده ۸۱۳)، آلوده ساختن منابع آبی و مخازن عمومی (همان: ماده ۸۱۴)، انتشار امراض خطرناک و هرنوع اعمال منافی محیط زیست سالم (همان: مواد ۸۱۸ و ۸۱۹). با توجه به نمونه‌هایی از تعهدات بین‌المللی برای دولت‌ها که در اسناد موضوعه بین‌المللی برای حمایت و حفظ محیط زیست مسجل شده است، دولت‌ها مسئولیت دارند که از محیط زیست و منابع طبیعی طبق تعهدات بین‌المللی خود عمل نمایند و طبیعی است که در صورت نقض این تعهدات، مسئولیت بین‌المللی را در پی خواهد داشت.

۲. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در زمینه‌های مختلف از منظر حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در دو بخش کاملاً مجزا مطرح نموده است که یکی آن «مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال متخلفانه» و دوم آن «مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اعمال منع نشده» می‌باشد. دکتترین مسئولیت بین‌المللی، تفاوت این دو نوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را این گونه بیان می‌کند که به‌طور کلی می‌توان دوگونه مسئولیت برای دولت‌ها متصور بود: یکم) مسئولیت دولت در رابطه به نقض تعهدات بین‌المللی که می‌توان آن را مسئولیت مبتنی بر خطا عنوان نمود. این نوع مسئولیت در دهه‌های اخیر از نقض وظیفه رعایت استندرها ناشی می‌شود. دوم، مسئولیت دولت برای آثار زیان‌بار فعالیت‌های قانونی که دارای مفهوم جزئی‌تر و جدیدتر است (میرعباسی و همکار، ۱۳۹۸: ۱۴۳). در نوع اول مسئولیت، صرفاً ورود خسارت از ناحیه تخریب محیط زیست برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی کافی نیست؛ بلکه خسارت وارده باید نتیجه عمل نامشروع (نقض قاعده بین‌المللی) بین‌المللی بوده و عمل نامشروع نیز به دولت مورد نظر قابل انتساب باشد؛ اما در نوع دوم مسئولیت، صرفاً وقوع خسارت برای مسئولیت یک دولت کافی است؛ حتی اگر عمل خسارت‌بار آن دولت، نقض قاعده حقوق بین‌الملل را در پی نداشته باشد، همین که خسارتی وارد شود و به دولت مورد نظر قابل انتساب باشد، برای مسئولیت بین‌المللی آن دولت جهت جبران خسارت کافی است. از میان این دو نوع مسئولیت، آنچه که در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پیرامون تخریب محیط زیست مورد قبول واقع شده است، نوع دوم مسئولیت است و کمیسیون حقوق بین‌الملل

و کمیته ششم مجمع عمومی جلوه‌گاه اصلی مسئولیتی ناشی از اعمال منع نشده را مخاطرات محیط زیستی عنوان نموده است (تقی‌زاده انصاری و فائقی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۲).

از میان دو نظریه که در حقوق بین‌الملل پیرامون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح شده است، امروزه دکترین حقوق بین‌الملل محیط زیست بیشتر روی نظریه خطر (مسئولیت عینی) تأکید دارد. نظریه مقابل آن، که به نظریه خطا (تقصیر) معروف است، دولتی را مسئول در قبال تخریب محیط زیست عنوان می‌کند که سهل‌انگاری و کوتاهی او قابل اثبات باشد؛ اما در نظریه خطر که به مسئولیت عینی شهرت دارد، چنین چیزی لازم نیست؛ بلکه صرفاً با دو شرط یک نقض قاعده بین‌المللی یا انجام فعل آسیب‌زننده به محیط زیست و دوم، قابل انتساب بودن عمل به دولت مرتکب، می‌توان مسئولیت بین‌المللی را برای دولت پیرامون تخلفات محیط زیستی احراز نمود، فرقی نمی‌کند که دولت مذکور تقصیر داشته و یا خیر (همان: ۱۴۶).

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفظ محیط زیست هم جنبه مدنی دارد و هم جنبه جزایی. مسئولیت جزایی ناشی از تخریب محیط زیست بیشتر مستند به مواد ۶ الی ۸ اساسنامه رم قابل طرح است. چنان‌که در مواد یادشده اشاره شده است که رسیدگی ضمنی به پاره‌ای از جرایم زیست‌محیطی ناشی از انهدام و آلودگی محیط زیست در صلاحیت دیوان جزایی بین‌المللی می‌باشد (پوره‌اشمی و سادات موسوی، ۱۳۹۰: ۸۱). اما درواقع، چنین مسئولیتی برای دولت‌ها که شخصیت حکمی و غیرطبیعی دارند، قابل دفاع نیست و ممکن است نسبت به اشخاص حقیقی، که مرتکب جرایم محیط زیستی می‌شوند، قابل اجرا باشد.

اما آنچه در مورد دولت‌ها بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای جبران خسارت است. در این مورد آنچه درخور یادآوری است این نکته است که حقوق بین‌الملل محیط زیست از نظریه مسئولیت عینی حمایت نموده و برای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، صرفاً وقوع عمل خسارت‌بار و نامشروع محیط زیستی از یک‌سو، و اثبات نسبت آن عمل به دولت مورد نظر کافی است. در مورد نحوه جبران خسارت ناشی از تخریب محیط زیست توسط دولت دارای مسئولیت بین‌المللی، اعلامیه ریو، بهترین راهکار را ارائه نموده است. اصل هفتم و هجدهم اعلامیه ریو به حوادث طبیعی که آثار زیان‌بار به دولت‌ها خلق می‌نماید، حق می‌دهد که از سایر کشورها بخواهد که برای مهار آن اقدام لازم را بنمایند و سایر

کشورها نیز مسئولیت دارند که با استفاده از امکانات مالی و تکنالوژی خود قاطعانه همکاری نمایند؛ اما طبق اصل هفتم اعلامیه یادشده، مسئولیت در این مورد میان دولت‌ها مشترک و متفاوت است. بدین بیان که کشورهای که تاکنون توسعه یافته‌اند و بیشترین آسیب و فشار از ناحیه فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی آنها به پیکره طبیعت وارد آمده است و سبب خلق حوادث طبیعی برای سایر کشورها شده‌اند، باید مسئولیت بیشتری نسبت به کشورهایی داشته باشند که سهم کمتری در تخریب و آلودگی محیط زیست داشته‌اند. اما درخصوص خسارت‌های ناشی از آلودگی که مستقیماً توسط یک کشور صورت می‌پذیرد، «اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز» قابل اعمال است. بدین مفهوم که دولت آلوده‌کننده باید مسئولیت جبران خسارت ناشی از آلودگی را به دولت متضرر به‌عهده بگیرد (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰: ۸۷).

آنچه در حقوق بین‌الملل محیط زیست پیرامون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مورد جبران خسارت ناشی از تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست قابل تأمل است، ارزیابی میزان خسارت زیست‌محیطی است که در حقوق بین‌الملل حائز اهمیت است (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۹۴)؛ اما برآورد خسارت به ارقام در مورد خسارات محیط زیستی با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا بسیاری از عناصر زیست‌محیطی را نمی‌توان با پول ارزیابی کرد. به‌عنوان مثال، تخریب محیط زیست که ناشی از نابود کردن حیات وحش یا از بین بردن گونه‌های گیاهی است، با معیار پول قابل ارزیابی نیست؛ بلکه ارزش ذاتی آنها در حقوق بین‌الملل محیط زیست مورد توجه است. به‌همین لحاظ حقوق بین‌الملل معیار «تعیین سطح حداقلی» را برای تعیین میزان خسارت منطقی‌تر عنوان نموده است که به موجب این معیار تنها خساراتی جبران می‌شود که بالاتر از حد مجاز به طبیعت و محیط زیست وارد شده است (حبیبی، ۱۴۰۰: ۱۹۹).

نتیجه‌گیری

اصل توسعه پایدار و اصل حفاظت از محیط زیست امروزه در حقوق بین‌الملل جایگاهی مهم را به‌خود اختصاص داده است که حتی امروزه دکترین حقوق بین‌الملل از اصل حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یکی از قواعد آمره بین‌المللی نام برده است. حق بر توسعه و حق بر داشتن محیط زیست سالم هر دو از حقوق انسانی بشر دانسته می‌شود؛ اما برخورداری از حق توسعه اگر به‌طور نامعقول و نابخردانه صورت پذیرد، قطعاً آسیب جبران‌ناپذیری را به بدنه طبیعت وارد می‌نماید. براساس این، مقوله توسعه پایدار امروزه وارد ادبیات حقوقی و اقتصادی

جهان شده است که هم بتواند بشر را از حق توسعه برخوردار کند و هم محیط زیست را در روند توسعه از آسیب‌های احتمالی حفظ نماید.

تبیین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال محیط زیست مستلزم تبیین تعهدات بین‌المللی دولت‌هاست که در اسناد مختلف بین‌المللی از جمله اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲ م)، پیش‌طرح سومین میثاق حقوق هم‌بستگی (۱۹۸۲ م)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲ م)، اعلامیه ریو (۱۹۹۲ م)، کنوانسیون‌های چهارگانه جنوا (۱۹۴۹ م) و کنوانسیون الحاقی اول مفصلاً تعیین و مشخص شده است؛ اما مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مورد نقض محیط زیست زمانی احراز می‌شود که خسارتی وارد شده باشد و فرقی نمی‌کند که قاعده بین‌المللی به موجب آن نقض شده یا خیر؛ اما باید قابل‌انتساب به دولت مورد نظر باشد که این نوع مسئولیت را مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اعمال منع نشده عنوان می‌کند که صرفاً در مورد خسارات و تخریب محیط زیست مورد قبول واقع شده است.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حوادث طبیعی که ناشی از تخریب و آلودگی محیط زیست می‌باشد، مشترک و متفاوت است که کشورهای توسعه‌یافته با توجه به نقش و سهم خود در تخریب محیط زیست باید از امکانات دست‌داشته و توان مالی خود جهت نجات آن کشور از حادثه و تغییرات محیط زیستی استفاده نمایند؛ اما در مورد آلوده‌سازی مستقیم محیط زیست، مسئولیت بین‌المللی تابع «اصل پرداخت خسارت توسط آلوده‌ساز» می‌باشد که در این صورت باید کشور آلوده‌کننده، خسارت وارده را پرداخت کند یا وضعیت را به حالت اول برگرداند.

۱. حسینی، سید محمد مهدی. (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین الملل محیط زیست. ایران: نشر میزان.
۲. ساعد. (۱۳۸۸). «حقوق بشر و محیط زیست، برنامه عمران ملل متحد و دانشگاه شهید بهشتی». ایران: کرسی حقوق بشر.
۳. ساعد، نادر. (۱۳۸۹). حقوق زیست محیطی بشر. ایران: دادگستر.
۴. فیروزی، مهدی. (۱۳۸۴). حق بر محیط زیست. ایران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵. کیس، آلکساندر چارلز؛ سند، پیتر و وینفرید لانگ. (۱۳۹۲). حقوق محیط زیست. ترجمه محمد حسین حبیبی. ج ۱. چ ۴. ایران: دانشگاه تهران.
۶. معرفت، محمدرضا. (۱۴۰۲). حقوق بین الملل عمومی. کابل: صبح امید.
۷. وکیل، امیر ساعد و پوریا عسکری. (۱۳۸۳). نسل سوم حقوق بشر. ایران: مجد.

ب) مجله

۸. امیرارجمند، اردشیر. «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی». مجله تحقیقات حقوقی. ۱ (شماره ویژه ۱۲۰)، سال ۱۳۷۳.
۹. امیرارجمند، اردشیر. «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی». مجله تحقیقات حقوقی. ۱ (شماره ویژه ۱۲۰)، سال ۱۳۷۳.
۱۰. پورهاشمی، سیدعباس و مریم سادات موسوی. «مسئولیت بین المللی دولت ها در حقوق محیط زیست». دانشنامه حقوق و سیاست. ۷ (۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۱. پورهاشمی، سیدعباس و مریم سادات موسوی. «مسئولیت بین المللی دولت ها در حقوق محیط زیست». دانشنامه حقوق و سیاست. ۷ (۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۲. تقی زاده انصاری، مصطفی و مونا فائقی راد. «مسئولیت بین المللی دولت ها در حفاظت از محیط زیست». دوفصلنامه کانون وکلای دادگستری گیلان. ۲ (۴)، خزان و زمستان ۱۳۸۹.

۱۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی و مونا فائق‌راد. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست». دوفصلنامه کانون وکلای دادگستری گیلان. ۲(۴)، خزان و زمستان ۱۳۸۹.

۱۴. حبیبی، علی‌فقیه. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض محیط زیست». فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر. ۱۲(۴۲)، زمستان ۱۴۰۰.

۱۵. حبیبی، علی‌فقیه. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض محیط زیست». فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر. ۱۲(۴۲)، زمستان ۱۴۰۰.

۱۶. دبیری، فرهاد؛ خلعتبری، یلدا و سحر زارعی. «دستیابی به توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست». فصلنامه انسان و محیط زیست. ۱۶(۴۴)، بهار ۱۳۹۷.

۱۷. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حسن شفیق فرد. «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم». فصلنامه سیاست جهانی. ۵(۱۵)، بهار ۱۳۹۵.

۱۸. ممتاز، جمشید. «توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست؛ آورده‌ی دیوان دادگستری بین‌المللی». مجله حقوقی. ۱۷(۲۴)، سال ۱۳۷۸.

۱۹. مهرآرا، اسدالله؛ مدانلو جویباری، سپیده و علی‌رضا زارع زید. «بررسی نقش حفاظت محیط زیست در توسعه پایدار». ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. ۳(۲۹)، جدی ۱۳۹۶.

۲۰. میرعباسی، سید باقر و محمدرضا رضایی. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی». مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۲۳(۲)، تابستان ۱۳۹۸.

۲۱. میرعباسی، سید باقر؛ رضایی، محمدرضا و محبوبه شیوخ. «تعهدات دولت‌ها در رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست». فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق. ۱(۱)، تابستان ۱۴۰۰.

(ج) اسناد

۲۲. اعلامیه استکهلم، مصوب ۱۹۷۲ میلادی.

۲۳. اعلامیه ریو، مصوب ۱۹۹۲ میلادی، برزیل.

۲۴. قانون محیط زیست افغانستان، مصوب ۱۳۸۵.

۲۵. کود جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.

۲۶. منشور جهانی طبیعت، مصوب ۱۹۸۲ میلادی؛ سازمان ملل متحد.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۴۰۳



۱۱۶

